

نقش شبیه‌سازی میدان نبرد الکترونیکی سواحل ایرانی مکران در ایجاد امنیت منطقه

^۱ مهدی قطبی، ^۲ رضا صید

^۱ ارتش جمهوری اسلامی ایران

^۲ ارتش جمهوری اسلامی ایران

چکیده:

منطقه مکران به عنوان یکی از محتمل‌ترین لجن‌های ایران در نبرد احتمالی با آمریکا اهمیت بسزایی دارد و از سوی دیگر ظهور جنگ الکترونیک به عنوان یکی از مؤثرترین زیر مجموعه‌های جنگ اطلاعات در نبردها توجهات بسیاری را متوجه خود ساخته است. این مقاله سعی دارد تا با معرفی منطقه مکران و نمایش سطح احتمال درگیری ایران با آمریکا با تکیه بر تدابیر مقام معظم فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی و استفاده از راهبردهای جنگ الکترونیک مشترک، نقش شبیه‌سازی میدان نبرد الکترونیکی سواحل ایرانی مکران با آمریکا را در ایجاد امنیت منطقه نشان داده و بر این اساس روشی جدید در کسب آمادگی و ایجاد بازدارندگی معرفی کند.

واژه‌های کلیدی: سواحل مکران، جنگ اطلاعات، جنگ الکترونیک، شبیه‌سازی میدان نبرد

۱- مقدمه

در بحران‌هایی که در مواقع مختلف بین کشورها به وجود می‌آید کشورهای درگیر تخاصم خود را برای گزینه‌های مختلف از جمله برخورد مستقیم نظامی آماده می‌کنند. فعالیت اطلاعاتی کشورها در این مواقع شدت بیشتری یافته و سعی می‌کنند تا جدیدترین داده‌ها و تغییرات در مورد کشور مقابل را کسب کنند. یکی از مهم‌ترین اطلاعات در بحران‌ها اطلاعات سیگنالی^۱ و پشتیبانی الکترونیکی^۲ است که به کشورها کمک می‌کند تا از وضعیت آرایش الکترونیکی میدان^۳ کشور مقابل مطلع شده و آخرین تغییرات را در طرح‌های عملیاتی خود برای انجام عملیات نظامی احتمالی اعمال و برای بهینه‌سازی آن‌ها اقدام کنند.

در زمان حاضر احتمال درگیری آمریکا با ایران در سطح بالایی وجود دارد که برای کسب برتری در نبرد احتمالی در مقابل با آمریکا لازم است با بهره‌گیری از تدابیر مقام معظم فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی، بهترین روش‌ها، تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها در محتمل‌ترین مناطق سرزمینی بررسی و انتخاب شوند. لذا با توجه به تجارب دشمن شناسی در زمان‌های ایجاد تنش میان ایران و آمریکا و مشاهده خروج آمریکا از خلیج فارس و حضور در دریاهای عمان و عرب فرض را بر درگیری با آمریکا در سواحل نقاط یاد شده یعنی سواحل ایرانی مکران قرار داده و به بررسی موضوع با بهره‌گیری از منابع جنگ اطلاعات در بخش جنگ الکترونیکی می‌پردازیم.

۲- سواحل مکران

سواحل مکران چنانچه در شکل ۱ نشان داده شده، در جنوب استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان واقع شده است.

^۱Signal Intelligence, SIGINT

^۲Electronic Support, ES

^۳Electronic Order of Battle, EOB



شکل ۱ سواحل مکران

سیستان و بلوچستان ۱۱۰۰ کیلومتر مرز با کشورهای پاکستان و افغانستان و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان دارد و به دلیل قرار گرفتن در موقعیت راهبردی و ترانزیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است به ویژه بندر چابهار که تنها بندر اقیانوسی ایران و آسانترین و بهترین راه دسترسی کشورهای آسیای میانه به آب‌های آزاد است. [۹]

جنوب استان هرمزگان را نیز آب‌های گرم خلیج فارس و دریای عمان در نواری به طول تقریبی ۹۰۰ کیلومتر دربرگرفته است. [۲] سواحل مکرانی استان هرمزگان را اگر حدود ۴۵۰ کیلومتر در نظر بگیریم، طول سواحل مکران حدود ۷۰۰ کیلومتر برآورد می‌شود.

خلیج چابهار بزرگ‌ترین خلیج ایران در حاشیه کرانه‌های دریای مکران است. شهر چابهار در شرق و شهر کنارک در غرب کرانه‌های این خلیج واقع شده‌اند. پایگاه سوم نیروی دریایی ارتش نیز در جنوب غربی‌ترین نقطه خلیج قرار دارد. [۷]

خلیج گواتر نام خلیج نسبتاً کوچکی در طول ساحل مکران در دریای عمان، در منتهی‌الیه جنوب شرقی ایران و منتهی‌الیه جنوب غربی پاکستان است. نیمی از کرانه این خلیج در ایران و نیمی دیگر در پاکستان قرار دارد. در سمت ایران رودخانه باهوکلالت و در سمت پاکستان رودخانه نهردشت به خلیج گواتر می‌ریزند. آغاز این خلیج در سمت شرق دماغه حیوانی است و پایان آن در سمت غرب در نقطه‌ای به نام پسابندر است. در کرانه پاکستانی خلیج گواتر شهری به نام حیوانی قرار دارد و در کرانه ایرانی آن روستاهای گواتر و پسابندر قرار دارند. [۳]

۳- حضور نظامی آمریکا در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و دریای عمان

از دیرباز استکبار جهانی و بلوک غرب، با توجه به ماهیت استثماری خود و اهمیت و نقش منطقه خلیج فارس در تأمین انرژی جهان در راستای کنترل این شریان حیاتی این منطقه را نظامی کرده و در اعصار مختلف شاهد رفت و آمد و جابجایی آنان بوده‌ایم. در حال حاضر حضور آمریکا از سایرین پر رنگ‌تر شده است.

مهمترین استراتژی آمریکا در این برهه از زمان در منطقه خلیج فارس را می‌توان در موارد زیر ملاحظه کرد:

- تضمین ادامه تولید و صادرات نفت

- مقابله با تهدیدات علیه رژیم صهیونیستی

ولی مهمترین بهانه‌ی آمریکا برای توجیه حضورش در منطقه، استفاده از پوشش دروغین مقابله با تروریسم و در حال حاضر کمک به ایجاد دموکراسی است.

آمریکا برای تثبیت حضورش در منطقه با کشورهای مختلف قراردادهایی منعقد و پایگاه‌هایی ایجاد کرده که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۳-۱ کشور بحرین

کشور بحرین را باید از جمله کشورهای عربی به شمار آورد که مهمترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در آن قرار دارد، آنچه در زیر می‌آید، نگاهی به مهمترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشور است.

پایگاه نظامی الجفیره، از اول ماه می سال ۱۹۹۳ به طور رسمی به مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا تبدیل شد.

حضور نظامی آمریکا در بحرین تا حوادث ۱۱ سپتامبر به حضور در ۷ پایگاه نظامی محدود می‌شد، در حالی که پس از حملات ۱۱ سپتامبر این حضور افزایش یافت تا ۱۱۰ پایگاه نظامی بحرینی را شامل شود. اکثر مراکز استقرار فرماندهی نیروی دریایی آمریکا در بحرین در منامه و در پایگاه

پشتیبانی عملیات دریایی قرار دارد که تنها چند کیلومتر با پایتخت بحرین فاصله دارد و حدود ۴۰ مرکز فرماندهی مرتبط با فرماندهی مرکزی نیروی دریایی آمریکا در منطقه میانی را شامل می‌شود.

در اول مارس سال ۲۰۰۰ شاهد تحول جدیدی در رابطه نظامی بحرین با آمریکا بودیم. در این تاریخ ناو مین‌روب «یو اس اس اردنت» در بحرین مستقر شد و این اولین مین‌روب آمریکایی به شمار می‌آمد که به طور دائم در خلیج فارس مستقر می‌شد. در این زمان بندر «سلمان» نیز به طور کامل به نحوی تجهیز و آماده شد تا ماموریت حمایت لجستیک خود از ناوهای آمریکایی و تامین سوخت آنها را به انجام برساند. از سوی دیگر فرودگاه بین‌المللی «المحرق» نیز به عنوان مهمترین پایگاه هوایی برای نقل و انتقال نظامیان آمریکایی اختصاص یافت. این درحالی است که پایگاه هوایی «عیسی» نیز به استفاده هواپیماهای جاسوسی آمریکایی اختصاص داده شد.

۲-۳ کشور قطر

کشور قطر را باید یکی از مهمترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه برشمرد. قطر از سال ۱۹۹۵ استقبال و استقرار نظامیان آمریکایی در کشور خود را آغاز کرد.

پس از آن و در سال ۲۰۰۱ مقر نیروهای ویژه آمریکایی وابسته به فرماندهی مرکزی نظامی آمریکا در منطقه مرکزی به پایگاه «السلیه» قطر منتقل شد تا این پایگاه خیلی زود به مقر میدانی فرماندهی نظامی آمریکا در منطقه میانی تبدیل شود و این مقر در پوشش انجام رزمایش «نگاه به درون» به قطر منتقل شد که در واقع رزمایشی برای تمرین نظامیان آمریکایی جهت حمله به عراق بود.

طی سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ آمریکا فرماندهی مرکزی نیروی هوایی خود موسوم به «سنت کام»^۱ را از عربستان سعودی به قطر منتقل کرد تا این ستاد فرماندهی مرکزی در پایگاه هوایی «العدید» قطر در منطقه «خور العدید» در جنوب شرقی دوحه، پایتخت قطر مستقر شود، خور العدید کانالی تنگ و باریک بین عربستان سعودی و قطر به شمار می‌آید.

این پایگاه اجازه دارد تا از ۲۴ مرکز نظامی وابسته به نیروهای مسلح قطر استفاده کند، از جمله این پایگاه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فرودگاه بین‌المللی دوحه
- پایگاه نظامی السلیه (پایگاه السلیه و پایگاهی در ۵۳۰ مایلی جنوب غربی دوحه، پایتخت قطر قرار دارد و موسوم به شخصیتی کارتونی به نام «اسنوبی» برای انبار تجهیزات سنگین نظامی است.)
- پایگاه هوایی العدید
- انبار تجهیزات پایگاه نظامی «فالكون - ۷۸» (گفته می‌شود، در منطقه‌ای به نام صلنه یا صلنح قرار دارد.)
- پایگاه پشتیبانی لجستیک «ام سعید»

این درحالی است که باید توجه داشت، فرودگاه بین‌المللی دوحه و پایگاه هوایی العدید مرکز تجمع و استقرار بسیاری از جنگنده‌های آمریکایی و هواپیماهای سوخت‌رسان و زره‌پوش‌های نظامی آمریکا بود و از این حیث دوحه را باید مرکز مرکز و محور نقل و انتقال هوایی نظامی آمریکا به جیبوتی و دوشنبه در تاجیکستان و المصیره در عمان و قندهار در افغانستان و شمسی در پاکستان به شمار آورد.

۳-۳ کشور عربستان سعودی

اما از دیگر کشورهایی که مهمترین مرکز استقرار و تجمع نظامیان آمریکایی در منطقه خلیج فارس به شمار می‌آید، باید از کشور عربستان سعودی نام برد که مقر فرماندهی نظامی آمریکا در خلیج فارس در این کشور قرار داشت و تا پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر آمریکا ۱۳ پایگاه نظامی ویژه در عربستان سعودی داشت، افزون بر اینکه می‌توانست از ۶۶ پایگاه نظامی وابسته به نیروی مسلح عربستان سعودی نیز استفاده کند. اما مقر مرکزی فرماندهی نظامی آمریکا در عربستان در پایگاه هوایی «شاهزاده سلطان» قرار دارد و در آن جنگنده‌های یو-۲ نیز وجود دارند.

اما از دیگر پایگاه‌های نظامی که آمریکایی‌ها از آن در خاک عربستان استفاده می‌کنند، باید از پایگاه ملک عبد العزیز در ظهران و پایگاه ملک خالد در ریاض و پایگاه «خمیس مشیط» و تبوک و طائف نام برد، اگرچه حضور نظامی آمریکا در عمل از می ۲۰۰۳ در مقایسه با دهه نود در عربستان سعودی کاهش یافت. این درحالی است که عربستان سعودی از سال ۱۹۹۰ پذیرای حضور و استقرار نیروهای نظامی آمریکا در خاک کشور خود بود و بیش از ۵۰ درصد از هزینه‌های احداث پایگاه‌های نظامی آمریکا در عربستان را از جیب خود پرداخت کرد. در سال ۲۰۰۳ هنگام حمله نظامیان آمریکایی به عراق ۳۰۰ جنگنده آمریکایی از انواع مختلف از پایگاه‌های نظامی آمریکا در عربستان به هوا برخاستند و ریاض نیز اجازه پرواز آزادانه در آسمان خود را به آنها داد.

¹ CENTCOM

مناطق نظامی که نظامیان آمریکایی در عربستان در آن حضور دارند به ۸ منطقه تقسیم می‌شود:

۱) تبوک در شمال غرب ۲) خمیس مشیط در جنوب ۳) جدّه در غرب ۴) ظهران در الشرقیه ۵) ریاض در مرکز ۶) طائف در مرکز طائف ۷) مدینه در مدینه منوره و ۸) حفر الباطن در شمال.

بالبطع فرماندهی هر یک از این مناطق بر تمام تشکیلات نظامی منطقه چه دریایی و هوایی و زمینی نظارت دارد.

علاوه بر این مناطق شهرهای نظامی عربستان هم در یاری رسانی به آمریکا مشارکت دارند:

۱- شهر نظامی ملک خالد العسکریه در شمال حفر الباطن که از بزرگترین شهرهای نظامی عربستان و حتی جهان است که با هزینه‌ای بالغ بر ۱۸ میلیارد ریال سعودی احداث شد و گنجایش ۵۰ هزار خانوار را دارد و مقر ستاد فرماندهی نیروهای مسلح و اتاق‌های عملیات زیر زمینی و مرکز فرماندهی کل و مرکز آموزش نظامی و سیستم‌های موشکی پدافند هوایی و فرودگاهی برای هواپیماها را دارد و طی حمله آمریکا به عراق این پایگاه به عنوان مرکز نیروهای نظامی آمریکا به شمار می‌آمد.

۲- شهر نظامی ملک فیصل در خمیس مشیط در جنوب عربستان.

۳- شهر نظامی ملک عبد العزیز در تبوک شمال غربی.

۴- شهر نظامی ملک فهد در ظهران.

۵- شهر نظامی «ام الساهک» که در جنگ دوم خلیج فارس مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

پایگاه‌های نظامی عربستان هم که در اختیار آمریکا هستند:

۱- پایگاه نظامی هوای ملک عبد العزیز در ظهران که باید آن را پایگاه مادر برای تمام پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا و آسیای غربی به شمار می‌آید و ارتش آمریکا آن را طبق توافقی که با ملک بن عبد العزیز بن سعود داشت، در قبال حمایت نظام سعودی در برابر هرگونه تهدید داخلی یا خارجی احداث کرد و تاکنون نیز این پایگاه مرکز استقرار جنگنده‌های آمریکایی است.

۲- پایگاه هوایی شاهزاده عبد الله بن عبد العزیز در جدّه.

۳- پایگاه هوایی ملک فهد در الحویه در طائف.

۴- پایگاه هوایی ملک فیصل در تبوک.

۵- پایگاه هوایی ملک خالد در خمیس مشیط.

۶- پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در الخرج که مقر نیروی هوایی آمریکا و انگلیس و فرانسه است، اما در اصل برای پذیرش جنگنده‌های آمریکایی که از عمان و آمریکا به هوا برمی‌خیزند، احداث شده است.

۷- پایگاه هوایی ریاض در شهر ریاض، پایتخت عربستان که برای فرود جنگنده‌های آمریکایی و انگلیسی و فرانسوی و سعودی و همچنین هواپیماهای سوخت و آواکس و هواپیماهای حمل بار تاسیس شد. در جریان جنگ دوم خلیج فارس از این پایگاه نظامی بود که موشک‌های «پاتریوت» شلیک می‌شد.

۸- پایگاه هوایی حفر الباطن: در این پایگاه فرودگاه ویژه‌ای برای جنگنده‌های بسیار پیشرفته اف ۱۱۱ وجود دارد که برای عملیات‌های صرفاً جاسوسی از آنها استفاده می‌شود، همچنین بالگردهای فرانسوی از این پایگاه بر فرود و استقرار خود استفاده می‌کردند.

۹- پایگاه دریایی ملک عبد العزیز در دمام.

۱۰- پایگاه دریایی ملک در جبیل.

۱۱- پایگاه دریایی جدّه.

۱۲- پایگاه «النعیریه» که در اصل پایگاهی پشتیبانی و امداد است که در جنگ دوم خلیج فارس در روستای النعیریه در شمال شرقی عربستان احداث و مورد بهره‌برداری قرار گرفت و تنها ۶۰ کیلومتر با مرزهای عراق و عربستان فاصله دارد.

آمریکا استفاده از فرودگاه‌های غیر نظامی را نیز در دستور کار دارد، از این حیث ۲۰ فرودگاه در عربستان وجود دارد که مورد بازسازی قرار گرفتند تا برای فرود و استقرار هواپیماهای حمل و نقل گول‌بیکر سی - ۵ آماده و مهیا شوند، شماری از این فرودگاه‌ها عبارتند از:

۱- فرودگاه منطقه‌ای القصیم برای فرود جنگنده‌های محلی.

۲- فرودگاه حائل برای فرود جنگنده‌های محلی.

۳- فرودگاه جدّه برای فرود هواپیماهای سوخت آمریکایی و استقرار توپ‌های بی - ۵۲.

۴- فرودگاه ملک خالد در ریاض برای فرود جنگنده‌های آمریکایی و فرانسوی.

۵- فرودگاه الاحساء برای استقرار نیروهای فرانسوی، بگونه‌ای که بعدها این فرودگاه به یک پایگاه نظامی کامل تجهیز شد.

- ۶ - فرودگاه ملک فهد در دمام برای فرود جنگنده‌های محلی آمریکایی.
- ۷ - فرودگاه القیصومه برای فرود جنگنده‌های آمریکایی شکار کننده تانک‌های A-10.
- ۸ - احداث باندهای فرود بالگرد در مناطق عملیاتی الامامیه.
- ۹ - احداث باندهای خاکی برای فرود هواپیماهای سی - ۱۳۰ در صحرا برای حمایت و پشتیبانی از نیروهای آمریکایی و غربی در جریان عملیات طوفان صحرا.

۳-۴ کشور عمان

براساس گزارش مرکز تحقیقات کنگره آمریکا تا پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر ۵ پایگاه نظامی آمریکایی در کشور عمان وجود داشت که وابسته به فرماندهی مرکزی آمریکا بود، این درحالی است که واشنگتن توافقاتی با پادشاهی عمان جهت استفاده از ۲۴ پایگاه نظامی این کشور دارد. امروزه در عمان نیروهای نظامی آمریکایی چندانی مستقر نیستند و این حضور بیشتر شکلی سمبلیک دارد، اما میزان ذخایر تسلیحاتی آمریکا در عمان قابل توجه است، همچنین بخش قابل توجهی از این حضور نظامی نیز توسط پادشاهی عمان تامین می‌شود، به عنوان مثال در سال ۲۰۰۱ عمان ۷۹ درصد هزینه حضور نظامی آمریکا در عمان توسط این کشور تامین شد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر نیز توافق برسر ادامه حضور نظامی آمریکا در این کشور و استفاده از پایگاه‌های هوایی عمان در منطقه «السیب» و جزیره المصیره تجدید شد که سه پایگاه هوایی مجهز و آماده بهره‌برداری را دربر می‌گیرد و پایگاه هوایی السیب در عمل به پایگاهی برای پروازهای سری نظامی به یعقوب آباد و شمسی بندری در پاکستان و بگرام و قندهار در افغانستان تبدیل شد.

در جنگ افغانستان پایگاه هوایی «ثمریت» برای پرواز جنگنده بمبافکن‌های B-1 و پایگاه هوایی السیب برای پرواز هواپیماهای بدون خلبان برادیتور مورد استفاده قرار گرفت.

نیروهای ویژه آمریکایی که به نیروهای ویژه «سیاه» معروف هستند و مبارزه و جنگ علیه تروریسم را برعهده دارند، عمان را به پایگاه اصلی استقرار و حضور خود تبدیل کرده‌اند. نیروی دریایی آمریکا نیز بندر مسقط را به عنوان مرکزی برای سوختگیری و پهلو گرفتن ناوهایش مورد استفاده قرار می‌دهد و پایگاه هوایی المصیره نیز به عنوان مرکزی برای فعالیت هواپیماهای جاسوسی آمریکا و جزایر العنز و المصیره به عنوان ایستگاه‌های کنترل و مراقبت مورد استفاده نظامیان آمریکایی قرار می‌گیرد.

در واقع حضور نظامی آمریکا در عمان به سال ۱۹۸۰ باز می‌گردد که در آن سال عمان توافقنامه‌ای با آمریکا امضا کرد تا از خاک این کشور برای انجام عملیات‌هایی علیه ایران و عراق و افغانستان استفاده کند. این توافقنامه طی سال‌های ۱۹۸۵ و سپس ۱۹۹۰ و پس از آن سال ۲۰۰۰ تجدید شد و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر نیز همکاری امنیتی و نظامی آمریکا و عمان افزایش یافت. این درحالی است که باید توجه داشت ارتش عمان سومین ارتش بزرگ در میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به شمار می‌آید و ۴۳ هزار نظامی را در بر می‌گیرد که برای مدت‌های طولانی زیر نظر افسران انگلیسی آموزش‌های نظامی خود را دیده‌اند.

همچنین عمان در سپتامبر ۱۹۹۴ به همراه دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تحریم رژیم صهیونیستی و شرکت‌های خارجی تعامل کننده با این رژیم را لغو کردند و دو ماه بعد کشور عمان به طور رسمی میزبان «اسحاق رابین»، نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی بود و در آوریل ۱۹۹۶ از «شیمون پرز»، نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی استقبال کرد و در اکتبر ۱۹۹۵ دفتر حفظ منافع تجاری اسرائیل را در این کشور افتتاح کرد که گفته می‌شود، در سپتامبر ۲۰۰۰ و همزمان با آغاز انتفاضه دوم آن را مسدود کرد.

۳-۵ کشور کویت

کشور کویت یکی از مهمترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس به شمار می‌آید که در حدود ۱۳۰ هزار نظامی پیاده نظام و نیروی دریایی آمریکایی در کنار یک هزار دستگاه تانک و صدها فروند جنگنده و بالگرد وجود دارد. غیر از آن در این کشور حدود ۲۰ هزار نظامی انگلیسی نیز وجود دارد.

مهمترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در کویت پایگاه نظامی «الدوحه» و پایگاه نظامی «عرفان» و پایگاه آموزشی «فرجینیار» است که در آن بیش از ۸ هزار نظامی آمریکایی وجود دارد که در مرزهای بین کویت و عراق مستقر هستند.

پایگاه نظامی الدوحه در شمال غربی شهر کویت، پایتخت این کشور و در ۶۰ کیلومتری مرزهای عراق است و در آن بیش از ۱۰ هزار نظامی آمریکایی مستقر هستند. افزون بر اینکه در این پایگاه نظامی فرماندهی نیروی نظامی آمریکا و نیروهای ماموریت‌های ویژه مشترک آمریکا - کویت نیز مستقر هستند.

پایگاه نظامی الدوحه مهمترین و اصلی‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در کویت به شمار می‌آید و مرکزی لجستیک برای نظامیان آمریکایی حاضر در خاورمیانه نیز تلقی می‌شود. برآورد شده که بیش از ۳۰۰ دستگاه تانک از نوع ام ۱ ای ۱ و ۴۰۰ دستگاه زره‌پوش برادلی و نفربرهای نظامی و توپ‌های هاوتزر و سامانه‌های پرتاب موشک در این پایگاه وجود دارد.

۳-۶ کشور امارات متحده عربی

درباره کشور امارات متحده عربی باید گفت که این کشور اولین توافقنامه همکاری نظامی و دفاع مشترک خود با آمریکا را در سال ۱۹۹۴ امضا کرد تا به موجب آن آمریکا اجازه ایجاد دفتری نظامی برای ارتباط با پنتاگون و اقدام برای احداث پایگاه‌های لجستیک دریایی را در بندرهای زاید و جبل علی و دبئی و الفجیره احداث کند. [۸] بندر جبل علی امارات یکی از ایستگاه‌های ناوهای هواپیمابر آمریکا در خلیج فارس است.



شکل ۲ پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس

۳-۷ دیه‌گو گارسیا

دیه‌گو گارسیا جزیره‌ای مرجانی در مجمع‌الجزایر شاگوس^۱ در اقیانوس هند (شکل ۲) است. این جزیره از قلمروی اقیانوس هند انگلیس به‌شمار می‌رود. از سال ۱۹۶۶ تا ۲۰۱۶ به مدت پنجاه سال به اجاره ارتش آمریکا درآمد است که تا بیست سال دیگر (۲۰۳۶) نیز قابل تمدید است. جزیره دیگو گارسیا یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های فرامرزی ارتش آمریکا است. حدود ۱۷۰۰ نظامی و ۱۵۰۰ غیر نظامی روی این جزیره اقامت دارند. انبوهی از هواپیماهای بی‌۱- لنسر در پایگاه نظامی ارتش آمریکا روی این جزیره مستقر هستند. از طرف دیگر این جزیره یکی از انبارهای مهمات ایالات متحده است و واحد مرکزی برای اطلاعات ماورای جوی نیز هست.

اهمیت این جزیره برای انگلیس، از قرن نوزدهم به اینسو و از سال ۱۹۵۰ برای ایالات متحده آمریکا، بخاطر موقعیت جغرافیایی مجمع‌الجزایر شاگوس گارسیا است.

• در فاصله ۲۰۰۰ کیلومتری هند، ۳۵۰۰ کیلومتری آفریقا و شرق اندونزی، ۴۵۰۰ کیلومتری خلیج فارس و ۵۰۰۰ کیلومتری استرالیای غربی واقع شده است.

• در قرن نوزدهم با بازگشایی کانال سوئز، این جزیره به‌عنوان محل سوختگیری زغال سنگ مورد استفاده کشتی‌هایی بود که از اروپا عازم استرالیا می‌شدند.

• برای آمریکا این جزیره به علت نزدیکی آن به ذخائر نفتی در خلیج فارس، از اهمیت خاصی برخوردار است. علاوه بر این نفتکش‌ها جهت عبور از دماغه امید نیک از کنار این جزایر عبور می‌کنند. [۱]

۴- ایران و توازن نظامی منطقه خلیج فارس

¹ Chagos

اندیشکده «مطالعات راهبردی و بین‌المللی» آمریکا CSIS در گزارشی با عنوان "ایران و توازن نظامی منطقه خلیج فارس" به قلم «الکساندر ویلنر» و «آنتونی اچ. کوردزمن» توازن نظامی منطقه خلیج فارس را بررسی کرده‌اند:

۴-۱ تاریخچه روابط ایران و آمریکا

آشکار است که آمریکا برای کاستن نفوذ ایران و محدود کردن قدرتش و ایران برای به چالش کشیدن قدرت آمریکا در منطقه غرب آسیا و بیرون راندن نیروهایش از این منطقه با هم رقابت دارند.

تهدید کننده‌ترین شکل رقابت ایران و آمریکا در حوزه مسائل نظامی و امنیتی است. ایران و آمریکا در خلیج فارس، اقیانوس هند و سواحل شرقی مدیترانه رقبای نظامی‌اند و همچنان که ایران توانایی‌های مربوط به موشک‌های بالستیک با برد متوسط و موشک‌های بالستیک میان‌برد خود را افزایش می‌دهد این حوزه رقابتی نیز گسترش می‌یابد. این رقابت نظامی به شکلی روی می‌دهد که هر طرف می‌کوشند گزینه‌های نظامی طرف مقابل را انکار کند، و در پی تقویت قوای محدود کننده و بازدارنده و جلوگیری از اوج‌گیری تنش‌ها باشد. این رقابت از طرف دیگر برای دستیابی به موقعیت و اعتبار نظامی و استفاده از نیروهای نظامی برای نفوذ بر رفتار دیگر کشورهاست.

پیشینه این رقابت نظامی موازی است با پیشینه تنش سیاسی بین ایران و آمریکا، برداشت ایران این است که آمریکا در پی تسلط بر منطقه خلیج فارس است و این دلایل را برای چنین برداشتی مطرح می‌کند: دوره مداخله آمریکا در امور داخلی ایران که از سال ۱۹۵۳ آغاز شد، کمک امنیتی آمریکا به رژیم پهلوی پیش از سقوط، حمایت آمریکا از عراق طی جنگ با ایران، جنگ نفت‌کش‌ها که در سال ۱۹۸۸-۱۹۸۷ به وقوع پیوست، و تلاش‌های آمریکا برای محروم کردن ایران از واردات اسلحه و فن‌آوری نظامی. آمریکا به دنبال این است که قدرت مسلط منطقه شود و در عین حال قدرت و نفوذ ایران را نیز کم کند.

از طرفی آمریکا در ایران کشوری را می‌بیند که از زمان سقوط شاه و بنیان‌گذاری جمهوری اسلامی خصومت شدیدی با آمریکا داشته، کارکنان سفارت آمریکا را گروگان گرفته، منطقه را تهدید و تروریسم را صادر می‌کند، برای مخالفان آمریکا در عراق و افغانستان تأمین اسلحه می‌کند، تهدیدی برای موجودیت رژیم صهیونیستی و به دنبال ساخت موشک‌های مجهز به کلاهک هسته‌ای است و تمام مدت در پی تقویت نیروهای نامتقارنش است که جریان باثبات صادرات جهانی نفت را تهدید می‌کند. پس ایران هم به دنبال این است که قدرت مسلط منطقه شود و در عین حال آمریکا را بیرون و قدرت و نفوذش را از بین ببرد.

نتیجه این رفتارها رقابتی بوده که ۳۲ سال به طول انجامیده و گاه به برخورد مستقیم منجر شده است. رویدادهای اصلی عبارت است از گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا در ایران (۱۹۸۱-۱۹۷۹)، بلوکه کردن دارایی‌های ایران در آمریکا، اعمال تحریم‌ها بر ایران، و برخوردهای نظامی گاه‌به‌گاه (۱۹۸۸). برجسته‌ترین بعد رقابت ایران-آمریکا استفاده ایران از عوامل نیابتی است.

آمریکا همواره متحدان منطقه‌ای خود را با تجهیزات نظامی پیشرفته مجهز کرده تا در مقابل ایران بایستند. عربستان سعودی میلیاردها دلار تجهیزات پیشرفته دریافت کرده، از آن جمله می‌توان به بالگردهای تهاجمی AH-64، تانک‌های جنگی ام ۱ آبرامز، و جنگنده چندمنظوره F-15 اشاره کرد. این سامانه‌ها بسیار پیشرفته‌تر از فن‌آوری نظامی ایران است، و هم می‌تواند نفوذ ایران را محدود سازد و هم بازدارنده مهمی در مقابل نیروهای ایرانی است.

طی این مدت آمریکا و اروپا از فروش سلاح‌های جدید و فن‌آوری پیشرفته، وسایل یدکی، و مدل‌های به‌روز شده سامانه‌هایی که زمان شاه به ایران فروختند به جمهوری اسلامی خودداری کردند. حتی بر چین، روسیه و دیگر تأمین‌کنندگان سلاح هم فشار آورده‌اند که انتقال سلاح به این کشور را محدود سازند. آمریکا و متحدانش در طول مدت جنگ ایران-عراق نیز طرف عراق را گرفتند و آمریکا با فروش سلاح، اطلاعات و ارائه کمک‌های فنی از عراق حمایت فراوان کرد. ترکیب این محدودیت‌ها برای واردات اسلحه توسط ایران و خسارات گسترده‌ای که از جنگ با عراق دید کیفیت و به‌روز شدن نیروهای نظامی معمول ایران را کاهش داد و این کشور را وادار کرد که هم صنعت اسلحه‌سازی داخلی خود را راه‌اندازی کند و هم جایگزین‌هایی برای قدرت نظامی بیابد.

تاریخ جدید رقابت ایران و آمریکا نشان می‌دهد که ایران کوشیده با تقویت توانایی‌های جنگ نامتقارن، بر روی شکاف موجود در توانایی‌های نظامی‌اش پل بزند. ایران پس از شکست تاکتیکی از آمریکا در خلیج فارس طی عملیات آخوندک (۱۹۸۸)، تمرکزش را بر بالا بردن ظرفیت جنگ نامتقارن گذاشت که بر استفاده از تسلیحات هوشمند، مین‌های جنگی سبک، تاکتیک‌های حمله چندجانبه و سد موشکی برای مقابله با نیروی دریایی آمریکا متمرکز است. با اینکه نمی‌توان از این سرمایه‌ها برای پیروزی قاطع مقابل آمریکا و دیگر قدرت‌ها در مقابله‌ای مستقیم در خلیج فارس سود برد، باز هم سرمایه‌های خوبی‌اند که مقابله با آنها دشوار و به ایران امکان می‌دهد که با هشدار اندک یا بدون هشدار، با نیروهای نظامی بزرگ‌تری بجنگد.

ایران همچنین برنامه‌های مبسوطی برای موشک‌های بالستیک و هسته‌ای اجرا کرده که تبدیل به کانون رقابت نظامی آمریکا-ایران شده است. برنامه موشکی ایران به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد و طی جنگ ایران و عراق هم مقدمات آن کاملاً آماده بود. با اینکه توانایی‌های موشک‌های بالستیک ایران در ابتدا محدود بود، برد موشک‌ها و میزان پیشرفته بودنشان از زمان آغاز این برنامه طی جنگ ایران-عراق افزایش زیادی داشته است. اکنون ایران نیروهای نظامی مجهز به موشک بالستیکی ساخته که می‌تواند با آن به متحدان آمریکا و پایگاه‌هایش در منطقه حمله کند؛ این موشک‌ها می‌تواند در صورتی که ایران موفق به ساخت کلاهک هسته‌ای شود این کلاهک‌ها را حمل کند.

با اینکه ایران در واقع از دهه ۱۹۵۰ برنامه هسته‌ای خود را آغاز کرد، تصمیم قطعی برای غنی‌سازی اورانیوم و دستیابی به توانایی هسته‌ای در طول جنگ ایران-عراق اتخاذ شد و در دهه ۲۰۰۰ سرعت گرفت. برنامه هسته‌ای ایران علیرغم مانع‌تراشی‌ها، ترور دانشمندان ایرانی و تحریم‌ها پیشرفت مداومی داشته است. ایران همچنان ادعا می‌کند که برنامه‌اش صلح‌آمیز است. امکانش هست که ایران طی پنج سال آینده بتواند سلاح‌های هسته‌ای قابل حملی بسازد. [۴]

۲-۴ تأثیر ایران بر سیاست خارجی آمریکا

۱-۲-۴ راهبرد نامتقارن ایران چالش منحصربه‌فردی برای تصمیم‌گیران آمریکا است.

با توجه به اهمیت خلیج فارس در امنیت انرژی جهان، اهداف ایران برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، و عدم ثبات اجتماعی-سیاسی در خاورمیانه، امکانش می‌رود که رقابت نظامی بین آمریکا و ایران شدیدتر شود. علی‌رغم برتری نظامی آمریکا، راهبرد نامتقارن ایران چالش منحصربه‌فردی برای تصمیم‌گیران آمریکاست، و ایران به تقویت و متنوع کردن توانایی‌های غیرمعمول نظامی، از جمله توانایی‌های هسته‌ای و موشکی ادامه خواهد داد تا به این شکل حضور آمریکا در منطقه را کم‌اهمیت سازد. تصمیم‌گیران آمریکا برای کارآمدترین نوع رقابت با آمریکا باید راهبرد نامتقارن این کشور را ارزیابی کرده و این راهبرد و برداشت ایران از رقابت نظامی را موضوع سیاست‌هایشان قرار دهند.

۲-۲-۴ توانایی‌های نامتقارن ایران هم قوه بازدارنده‌ای این کشور و هم ابزار نفوذ منطقه‌ای‌اش است.

هنوز قدرت اصلی بسیاری از این سرمایه‌های غیرمعمول در درگیری ثابت نشده است، اما ایران تمام تلاشش را برای توسعه این توانایی‌ها می‌کند تا هم قوه بازدارنده‌ای ساخته باشد و هم بر نفوذ منطقه‌ای‌اش بیفزاید. برتری نظامی فعلی آمریکا باعث شده که این کشور در درگیری طولانی مدت با ایران دست بالا را داشته باشد. اما در درگیری‌های کوتاه مدت، جنگنده‌های سریع ایران، تسلیحات هوشمند و زیردریایی‌های خسارتی را به نیروهای آمریکا و نیروهای متحدان منطقه‌ای‌اش وارد ساخته، زیرساخت‌های اصلی را آسیب زده، و بدون هیچ هشدار تجاری در خلیج را مختل یا متوقف کرده است.

۳-۲-۴ آمریکا قصد دارد متحدان منطقه‌ای‌اش را تقویت کند تا با تهدیدهای نامتقارن ایران مقابله کنند.

درست است که این نیروها قادر به تضمین پیروزی قاطع نیستند، اما نیروی بازدارنده‌ای که به وجود می‌آورند کمک می‌کند ایران سیاست خارجی منطقه‌ای تهاجمی تری در پیش بگیرد. آمریکا برای خنثی ساختن این تهدید، باید سازوکارهای ردیابی و هشدار اولیه‌اش را ارتقا دهد و دکترین کارآمدی برای مقابله با این نیروها داشته باشد. آمریکا باید نیروهای متحدان منطقه‌ای‌اش را هم تجهیز کند، به‌روز کند و آموزش دهد تا با تهدیدهای نامتقارن مقابله کند. عوامل نیابتی منطقه‌ای ایران هم عنصر قدرتمندی در جنگ نامتقارن هستند، هر چند که هیچ‌کدام تحت نظارت و فرماندهی مستقیم ایران نیست. این سرمایه‌ها در کاهش ثبات و انسجام داخلی متحدان آمریکا در خاورمیانه (بیشتر لبنان و عراق) کارآمد نشان داده‌اند و در مورد حماس در نوار غزه قدرت سیاسی را به دست گرفته‌اند. با توجه به اهمیت راهبردی این کشورها در توازن منطقه‌ای، آمریکا دیگر نمی‌تواند به ایران اجازه دهد که عوامل نیابتی‌اش را تغذیه کند و پروبال بدهد. بنابراین آمریکا باید متحدان منطقه‌ای‌اش را آموزش دهد، و آن‌ها را مورد حمایت مالی قرار دهد تا در مرزهایشان با عوامل نیابتی ایران مبارزه کنند. مضاف بر این، آمریکا باید بکوشد که حمایت تسلیحاتی و مالی ایران به این گروه‌ها را قطع کند.

۴-۲-۴ ایران با نیروی هسته‌ای، اهرمی برای مقابله با برتری قدرت نظامی آمریکا خواهد داشت.

با اینکه قدرت عوامل نیابتی و تاکتیک‌های جنگ‌های نامتقارن ایران فوق‌العاده است، باز هم به اندازه تهدیدی که از جانب برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیکش متوجه دشمنان است نیست. ایران در حال حاضر سلاح هسته‌ای در اختیار ندارد، اما ممکن است که در آینده نزدیک به دست

آورد و آن وقت عواقب آن برای توازن نظامی آمریکایی-ایرانی در منطقه به شدت زیانبار خواهد بود. ایران با نیروی هسته‌ای کامل و گسترده، اهرمی برای مقابله با برتری قدرت نظامی معمول آمریکا خواهد داشت و سیاست خارجی منطقه‌ای تهاجمی‌تری را در پیش خواهد گرفت. در نتیجه، برنامه هسته‌ای ایران بعد کلیدی راهبرد نظامی نامتقارن این کشور برای مقابله با آمریکا خواهد بود و وقتی که رقابت نظامی بین این دو کشور را در نظر می‌گیریم اهمیتی وافر می‌یابد.

۴-۲-۵ تنها راه حل موضوع هسته‌ای ایران راه حل سیاسی از راه سازش است.

شاید تصمیم ایران مبنی بر ساخت بازدارنده‌ای هسته‌ای، حمله پیشگیرانه به تأسیسات هسته‌ای این کشور را برای سیاست‌گذاران جذاب بنماید، اما چنین اقدامی در بهترین حالت تنها راه‌حلی موقتی خواهد بود. میزان تکامل و پیشرفت برنامه ایران، بازسازی آن پس از تخریب را تقریباً تضمین می‌کند. مضاف بر این، حمله‌ای سخت به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، توجیهی برای ادامه برنامه هسته‌ای به دست رهبران این کشور خواهد داد و ادامه پیشرفت‌ها را زیرزمینی‌تر خواهد کرد. بنابراین، تنها راه‌حل باقی مانده برای مشکل برنامه هسته‌ای ایران راه‌حل سیاسی از راه سازش است. رویکرد تشویق و تنبیه به نفع آمریکا و جامعه بین‌المللی است. چنین رویکردی به این شکل است که انگیزه‌های اقتصادی و پیشنهادهای منفعت‌آمیز دیگری ارائه دهیم تا به واسطه آن برنامه هسته‌ای‌اش را کنار بگذارد، و در صورت ادامه تلاش‌هایش برای ساخت سلاح هسته‌ای و عدم همکاری با آژانس انرژی هسته‌ای جریمه شود.

۴-۲-۶ دکترین نظامی ایران خنثی کردن قدرت نظامی آمریکا در منطقه است.

این موقعیت همچنان حل نشدنی به نظر می‌رسد، زیرا مذاکرات دهه اخیر بین آمریکا، ایران و دیگر کشورها نیز به دلیل خودداری هر دو طرف از پذیرش کف تقاضاهای طرف مقابل با شکست مواجه شده است. علاوه بر این، تنش تاریخی بین دو کشور و همچنین سیاست خارجی و دکترین نظامی ایران مبنی بر خنثی کردن قدرت نظامی آمریکا در منطقه، باعث می‌شود نتیجه بگیریم ایران دست از بازدارنده‌ای که نیروی هسته‌ای در اختیارش می‌گذارد نخواهد کشید. بنابراین، آینده برنامه هسته‌ای ایران همچنان نامشخص است.

۴-۲-۷ تأسیسات آمریکا و متحدانش در خلیج فارس، و بخش‌هایی از اروپا در محدوده برد موشک‌های ایران است.

تا وقتی که نیروی نظامی معمول ایران در مقایسه با نیروی نظامی همسایگانش ضعیف‌تر باشد، همچنان به پیشبرد برنامه موشک‌های بالستیک ادامه می‌دهد تا هم به عنوان سلاح ارباب و هم وسیله حمل کلاهک هسته‌ای، در صورت موفقیت ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای، از آن استفاده کند. با توجه به حداکثر برد موشک‌های بالستیک ایران، تأسیسات آمریکا در خلیج فارس، متحدان آمریکا در خلیج فارس، و بیشتر بخش‌های جنوب شرقی اروپا در محدوده برد موشک‌های ایران خواهند بود. آمریکا سلاح مشخصی برای مقابله با دیگر سرمایه‌های نامتقارن ایران ندارد، اما در مورد موشک‌ها، ابزاری (ردیابی ماهواره‌ای و پوشش راداری) برای ردیابی دقیق و از بین بردن موشک‌های ایران با استفاده از کروزهای ضد موشک بالستیک ایچیز و سامانه‌های موشکی زمین به هوای MIM-104 پاتریوت در منطقه مستقر کرده دارد.

۴-۲-۸ همچنان که سلاح‌های موشکی ایران پیشرفته‌تر می‌شود، سامانه‌های پدافندی آمریکا قدیمی‌تر خواهد شد.

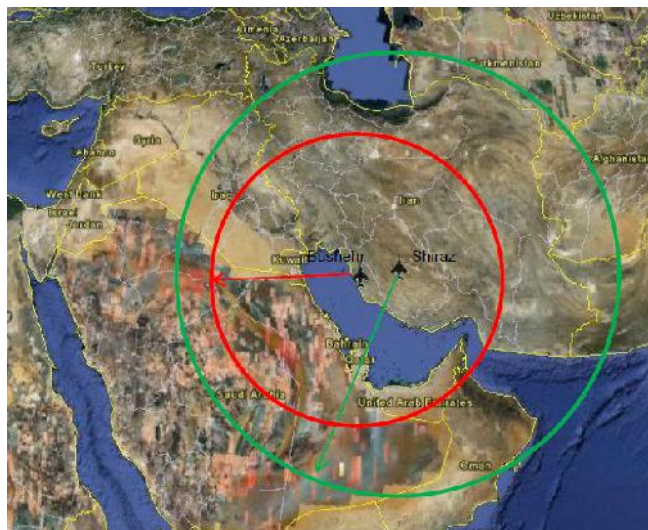
سامانه رادار پدافند موشکی که قرار است آمریکا در ترکیه بسازد بر توانایی‌های آمریکا برای ردیابی موشک‌های ایرانی می‌افزاید. بنابراین، آمریکا برای مقابله مستقیم با موشک‌های ایرانی در موقعیت بهتری نسبت به ایران با توانایی‌های فوق‌الذکر است. اما همچنان که سلاح‌های موشکی ایران پیشرفته‌تر و گسترده‌تر می‌شود، سامانه‌های پدافندی و پاتکی آمریکا برای مقابله کارآمد با موشک‌های ایران پیش پافتاده‌تر خواهد شد.

۴-۲-۹ رقابت ایران و آمریکا در منطقه همچنان ادامه خواهد یافت.

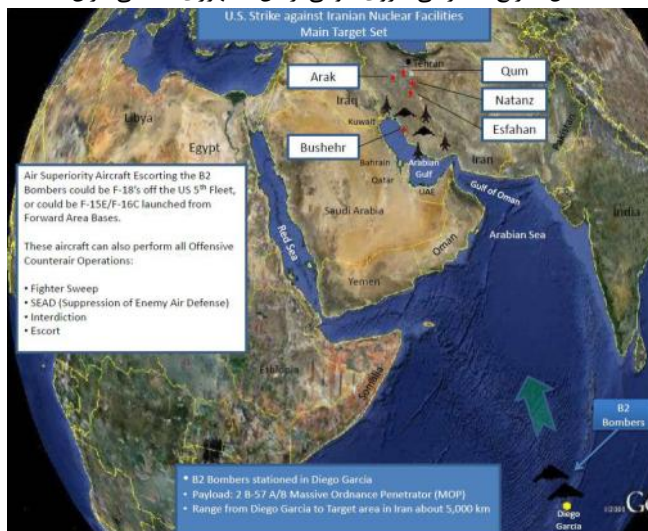
به هر حال، تا وقتی که تنگه هرمز منطقه‌ای از لحاظ استراتژیکی حیاتی است و ایران به دنبال بسط نفوذش به عنوان قدرتی در منطقه است، رقابت بین ایران و آمریکا ادامه خواهد داشت. ایران مدام گام‌هایی برای به چالش کشیدن حضور آمریکا در خاورمیانه و کم کردن قدرتش با استفاده از تاکتیک‌های نامتقارن برمی‌دارد، پس آمریکا هم نمی‌تواند بی‌تفاوت بنشیند و با این راهبرد ایران مقابله نکند. آمریکا برای مقابله با ایران، باید برداشت ایران از رقابت نظامی و توانایی‌های نظامی معمول و نامتقارن این کشور را دقیقاً مورد مطالعه قرار دهد و برای مقابله با سرمایه‌های نامتقارن ایران در منطقه راهی پیدا کند. [۴]

۵- نقش سواحل مکران در مقابله با آمریکا

با توجه به نکات بررسی شده آمریکا و ایران در سطح بالایی از آمادگی و بازدارندگی برای حمله نظامی قرار گرفته‌اند. لذا با لحاظ دیدگاه نظامی و نه سیاسی، فرض را بر برخورد نظامی این دو کشور و همراهان هر دو طرف قرار می‌دهیم. بر اساس تحلیل آمریکایی پیش گفته و شکل‌های سه و چهار که پژوهشکده آمریکایی CSIS در گزارشات تجزیه و تحلیل‌های اطلاعاتی خود در خصوص ایران از آن‌ها استفاده کرده، آمریکا در زمان درگیری با ایران قطعاً از امکانات خود در خلیج فارس و حوزه دسترس ایران در سطح راهبردی استفاده نخواهد کرد و تنها بهره‌برداری اساسی آمریکا از این منطقه قبل از نبرد برای جمع‌آوری اطلاعات و پس از آن برای تثبیت خواهد بود.

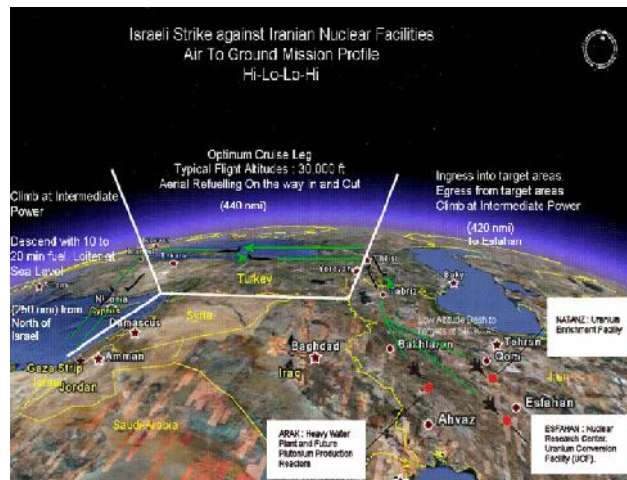


شکل ۳ رنج دسترسی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران



شکل ۴ تصویر آنالیز حمله به ایران در گزارش CSIS

پایگاه اصلی آمریکا خارج از خلیج فارس، در جزیره دیگوگارسیا، دریای عرب و پایگاه‌های واقع در عمق شبه جزیره عربستان خواهد بود.



شکل ۵ تصویر آنایز حمله به ایران از سمت رژیم صهیونیستی در گزارش CSIS

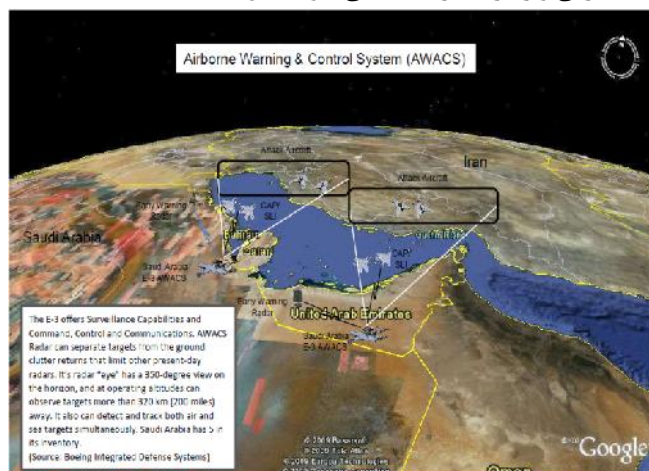
در صورتی که در حال حاضر احتمال حمله به ایران از طرف رژیم صهیونیستی را در زمان دیگری بررسی کنیم و این بخش از تهدید را کنار بگذاریم (شکل ۵) نقش سواحل مکران به عنوان پیشانی لجم در ایجاد امنیت کشور و منطقه در صورت وقوع درگیری از طرف منطقه جنوب آشکار خواهد شد.

۶- تدبیر، جنگ الکترونیک با آمریکا

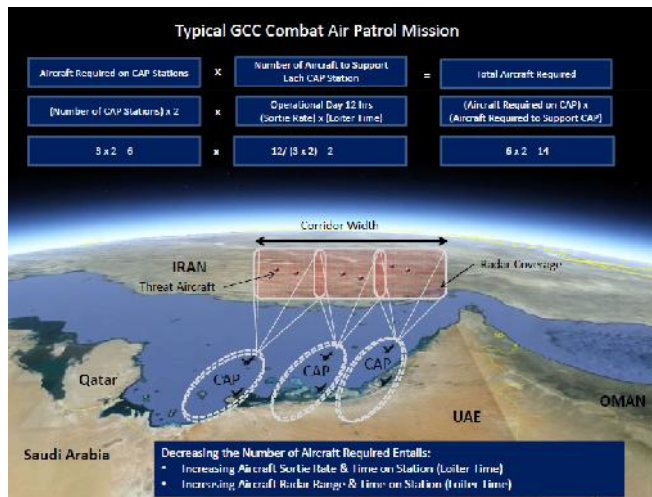
برای مقابله با آمریکا سیاست‌ها و روش‌های مختلفی را می‌توان در دستور کار قرار داد ولی آنچه که در قبل و هنگام نبرد نظامی آمریکا با ایران حیاتی و محوری است ارتباطات سیگنالی مخابراتی و راداری است. مقام معظم رهبری و فرماندهی معزز کل قوا مدظله العالی در ۳۰ بهمن ۱۳۸۸ در مراسم الحاق ناوشکن جماران به ناوگان نیروی دریایی ارتش جمهوری ایران راهبردی را تبیین و فرمودند:

"یک مسئله هم، مسئله جنگ الکترونیک است. من بارها در طی سال‌ها هم در دیدار با نیروی دریایی، هم در دیدار با نیروی هوایی، روی مسئله جنگ الکترونیک تاکید کرده‌ام، باز هم تاکید می‌کنم. دشمنان شما بر روی توانایی‌های الکترونیکی در زمینه سلاح‌های جنگی متمرکزند و سال‌ها هم هست که دارند کار می‌کنند. دفاع الکترونیکی برای ما خیلی مهم است. روی مسائل الکترونیک کار کنید. خوشبختانه ما زمینه داریم، منابع الکترونیک ما خوب است، دانشمندان خوبی داریم، فعالان خوبی داریم و یک سرمایه عظیم و تمام نشدنی داریم که آن، جوان‌های ما هستند."

قطعاً ارتباطات مانند رشته‌های عصبی بدن و نخ‌های تسبیح محوری‌ترین وسیله تکمیل چرخه فرماندهی و کنترل در صحنه آمادگی برای نبرد و همچنین هنگام عملیات خواهند بود. لذا حفظ پایداری، امنیت و اطمینان از ارتباطات مخابراتی و راداری خودی و استفاده از فضای سیگنالی و اخلاص در ارتباطات مخابراتی و راداری حریف بایستی تقویت شود.

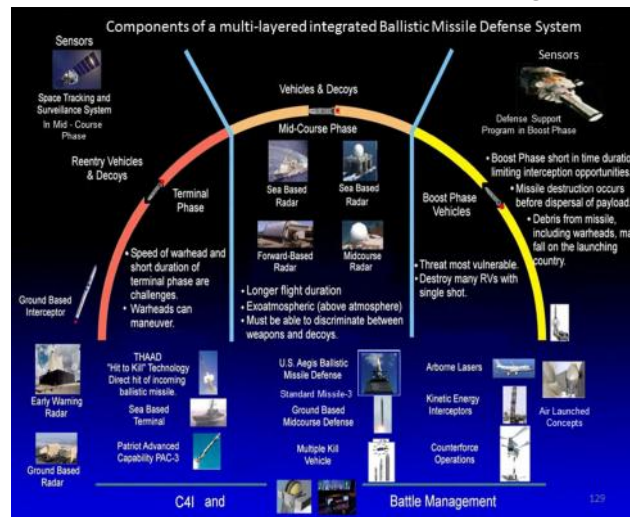


شکل ۶ طرح‌های پایش و جمع‌آوری اطلاعات هوا پایه از ایران در گزارش CSIS



شکل ۷ طرح‌های پایش و جمع‌آوری اطلاعات هوا پایه از ایران در گزارش CSIS

طرح‌های مختلفی (شکل ۷) برای جمع‌آوری اطلاعات سیگنالی جمهوری اسلامی ایران در دستور کار دشمن قرار دارد. لذا در فریب اطلاعاتی دشمن نیز بایستی دقت بیشتر به عمل آمده و طرح‌ها تقویت گردند.



شکل ۸ طرح‌های فرماندهی و کنترل میدان نبرد در گزارش CSIS

آمریکا در حمله احتمالی به ایران از تجهیزات و تسلیحاتی استفاده می‌کند (شکل ۸) که ارتباطات مخابراتی، راداری و ناوبری نقش مهمی در بکارگیری آن دارد. [۵]

لذا بکارگیری جنگ الکترونیک مؤثر از سوی ایران در کاهش توان دشمن بسیار مؤثر است. در زمینه نظامی جنگ الکترونیک شامل استفاده از انرژی الکترومغناطیسی و تابشی^۱ برای کنترل طیف الکترومغناطیسی یا حمله به دشمن است. [۶]

جنگ الکترونیک در حال حاضر به سه بخش تهاجم الکترونیکی^۲ (EA)، محافظت الکترونیکی^۳ (EP) و پشتیبانی الکترونیکی^۴ (ES) تعریف می‌شود که قبلاً از آن‌ها به ترتیب تحت عناوین اقدامات ضدالکترونیکی^۵ (ECM)، اقدامات ضدالکترونیکی^۶ (ECCM) و اقدامات پشتیبانی جنگ الکترونیکی^۷ (ESM) از آن‌ها نام برده می‌شد.

1. Directed Energy
2. Electronic Attack
3. Electronic Protection
4. Electronic Support
5. Electronic Countermeasures
6. Electronic Counter-Countermeasures
7. Electronic Support Measures

از نظر دکترینی، جنگ الکترونیک یکی از قابلیت‌های سطح بالا در عملیات اطلاعاتی (IO) است. EA، EP و ES قابلیت‌ها و فعالیت‌های متفاوتی در جنگ الکترونیک دارند و هر کدام نیز دارای زیرمجموعه‌هایی هستند. EA شامل اقداماتی نرم مانند اختلال و فریب و اقداماتی سخت مانند تسلیحات انرژی الکترومغناطیسی یا انرژی تابشی است. EP عبارت است از اقدامات فعال و غیرفعال مانند حذف تداخل فرکانسی^۱، محافظت در برابر جنگ الکترونیک نیروهای خودی و دشمن، برنامه‌ریزی مجدد جنگ الکترونیک و پوشش الکترونیکی^۲ است.

تقسیم این اقدامات به تهاجمی یا دفاعی در هیچ سطحی از جنگ الکترونیک مشخص نمی‌شود بلکه به بستر عملیات اطلاعاتی که جنگ الکترونیک در آن به‌کارگرفته می‌شود بستگی دارد و بیشتر از قابلیت یا فعالیت انجام شده، به هدف مأموریت رابطه دارد.

EA معمولاً شامل استفاده از اختلال‌گرها است. شناسایی سامانه‌هایی که در عملیات EP استفاده می‌شوند مشکل‌تر است. بسیاری از سامانه‌هایی که در EA استفاده می‌شوند را می‌توان با انجام بهسازی‌ها یا تغییراتی در پیکربندی و نوع استفاده برای EP نیز به‌کار برد؛ به عنوان مثال استفاده از سامانه ECM در اختلال‌گر اسکورت^۳، یا استفاده از اختلال‌گری که با تکنیک‌هایی برای مقابله با یک اختلال دشمن برنامه‌ریزی می‌شود (و معمولاً از آن به ECCM یاد می‌شود). EP همچنین شامل سامانه‌هایی مانند پرتاب کننده‌های چف و فلر، شناسایی دوست از دشمن^۴ (IIF)، دام‌های کششی یا بدون سرنشین و طراحی سکوها تسلیحاتی پنهانکار می‌شود. سامانه‌های ES وسایل هشدار دهنده مانند گیرنده هشدار راداری^۵ (RWR) تا سامانه‌های جمع‌آوری مانند ضبط کننده اطلاعات الکترونیکی^۶ را شامل می‌شوند. یکی از سامانه‌های جالب توجه سامانه اقدامات پشتیبانی الکترونیکی^۷ (ESM) است؛ سامانه‌ای که مسئول جمع‌آوری، شناسایی، و (اغلب) مکان‌یابی سیگنال‌های الکترومغناطیسی مورد نظر است. سامانه ESM با همکاری سامانه‌های EA و EP کار می‌کند تا یک مجموعه جنگ الکترونیک یکپارچه را شکل دهند.

برای انجام جنگ الکترونیک علیه یک سامانه خاص به اطلاعات زیادی نیاز است. به عنوان نمونه برای حمله به یک رادار به اطلاعاتی مانند فرکانس کار، پهنای باند، فرکانس تکرار پالس، مدولاسیون‌ها، حالت‌های کاری و ... نیاز است. به‌طور کلی هرچه حمله پیچیده‌تر باشد، اطلاعات مورد نیاز بیشتر و مشکل‌تر خواهد بود. دفاع در برابر جمع‌آوری اطلاعات از محافظت اطلاعات معمولی تا پوشاندن و استفاده حداقلی از اطلاعات پردازش را شامل می‌شود. اقدامات مقابله‌ای در این سطح راهبردی ممکن است شامل ارزیابی خود^۸ باشد تا مشخص شود که دشمن احتمالاً از چه مواردی آگاهی دارد یا اینکه ممکن است شامل وارد کردن اطلاعات کاذب در کانال‌هایی که مضمون به پایش توسط دشمن است، شود. در این مرحله اختلال‌گرها نقش چندانی در محافظت یا اقدامات مقابله‌ای ندارند.

حمله به نیروهایی که از مقدرات جنگ الکترونیک بهره می‌برند، مرحله پرتاب تسلیحات فیزیکی تقریباً همیشه با یک فاز تجسس^۹ آغاز می‌شود و بعد از آن نیز مرحله ردیابی^{۱۰} یا قفل^{۱۱} انجام می‌گردد. این دو مرحله جایی است که در آن به‌کارگیری تکنیک‌های جنگ الکترونیک بسیار مفید خواهد بود.

در فاز تجسس، دشمن به‌طور کلی از طیف الکترومغناطیسی برای کشف یک هدف استفاده خواهد کرد. اقدامات محافظت الکترونیکی قابل دسترس در این فاز شامل سامانه‌های پرهزینه مانند سکوها پنهانکار^{۱۲} یا دام‌های بدون سرنشین^{۱۳} یا سامانه‌هایی نسبتاً کم‌هزینه مانند پرتاب کننده‌های چف است.

اختلال‌گرهای الکترونیکی در این‌جا با شیوه‌هایی مانند نویز سدی، نقطه‌ای، شبه تصادفی^{۱۴} یا فریب (ایجاد اهداف کاذب^{۱۵}) وارد عمل می‌شود. ورود به فاز قفل به معنای آن است که اقدامات مقابله‌ای در فاز تجسس موفق نبوده است و با وجود تلاش‌هایی که برای پنهان شدن انجام می‌شود تا سکوی مورد پایش خود را در نویز مخفی کند، باز هم از منظر الکترومغناطیسی نمایان و آشکار است. این نقطه‌ای حساس و مهم در روند تهاجم است و معمولاً پس از آن تهاجم کننده قریب‌الوقوع بوده و نیاز به اقدامات ضدالکترونیکی شدیدتری وجود دارد. اقدامات متداول اختلال شامل تکنیک‌های

1. Frequency Deconfliction
2. Electronic Masking
3. Escort Jammer
4. Identification Friend Or Foe
5. Radar Warning Receiver
6. Electronic Intelligence Recorder
7. Electronic Support Measures
8. Self-Evaluation
9. Search
10. Tracking
11. Lock-On
12. Stealth
13. Unmanned Decoys
14. Pseudo Random
15. False Targets

فریب مانند تأخیر تکرار کننده، داپلر تصادفی و رباینده‌های گیت برد / سرعت^۱ است. هدف ما فریب دادن طرف شلیک کننده در تعیین دقیق موقعیت و سرعت هدف و در نهایت شکستن قفل و بازگشت به فاز تجسس است.

۷- شبیه سازی جنگ الکترونیک ایران با آمریکا در سواحل مکران

اهمیت نقش بکارگیری جنگ الکترونیک در سواحل مکران برای ایجاد آمادگی و بازدارندگی در مقابل حمله احتمالی آمریکا بیان شده و آشکار است. اما صرف بکارگیری و آمایش سرزمینی تجهیزات جنگ الکترونیک برای موفقیت در مقابله با تهدیدات کافی نیست. سناریوهای حمله به ایران در مقالات بسیاری از جمله مقالات CSIS منتشر شده‌اند. سناریوهای بسیاری را هم استراتژیست‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران برای حمله احتمالی بیگانگان به ایران طراحی کرده‌اند.

موفقیت در مقابله با تک تک این سناریوها در اجرای آن‌ها در محیط بازی جنگ، شبیه‌سازی و حتی گام‌هایی دقیق‌تر در واقعی‌سازی عملیات‌های جنگ الکترونیک مشترک است تا با بررسی جوانب مختلف بهترین راهبرد، آمایش، آموزش، تکنیک و تاکتیک برای مقابله با دشمن در روز ر انتخاب و پیاده شود.

۸- نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی راهبردها و سیاست‌های ایران و آمریکا در منطقه غرب آسیا و توازن نظامی منطقه خلیج فارس از دیدگاه نظامی، درگیری ما بین آمریکا و ایران بسیار محتمل است.

در صورت وقوع حمله آمریکا به ایران از سمت جنوب، نقش سواحل مکران در بازدارندگی و دفاع از کشور بسیار مهم و مؤثر است. از آنجاییکه اغلب در زمان صلح و جنگ از طیف الکترومغناطیسی برای جمع‌آوری و پشتیبانی اطلاعاتی و مدیریت و کنترل میدان نبرد استفاده می‌شود، برتری در این میدان نیز نقش تعیین کننده‌ای در معرفی پیروز میدان نبرد دارد.

قطعاً اجرای تدبیر مقام معظم فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در خصوص توجه به مسئله جنگ الکترونیک و بررسی سناریوهای احتمالی حمله دشمن و احصاء آمایش الکترونیکی‌اش در زمان صلح و شبیه‌سازی میدان نبرد الکترونیکی مشترک و اجرای رزمایش و واقعی‌سازی طرح‌ها در سواحل مکران از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران موجب ایجاد سطح بالایی از آمادگی و بازدارندگی در مقابل هرگونه حمله احتمالی دشمن خواهد شد.

۹- مراجع

- [۱] عجم، محمد، آشنایی با پایگاه‌های نظامی آمریکا، موسسه همشهری، تهران، ۱۳۹۰
- [۲] محمدیان کوخردی، محمد، به یاد کوخرد، ج ۱. ج ۲، دبی، ۲۰۰۳
- [۳] مؤسسه گیتاشناسی، اطلس استان‌های ایران، تهران، گیتاشناسی، ۱۳۸۳
- [4] Anthony H. Cordesman, Alexander Wilner, Michael Gibbs, and Scott Modell. IRAN AND THE GULF MILITARY BALANCE – I. CSIS, 1 November 2012
- [5] Anthony H. Cordesman, Arleigh A. Burke. Analyzing the Impact of Preventive Strikes Against Iran's Nuclear Facilities, CSIS, 10 September 2012
- [6] Joint Publication 3-51, Joint Doctrine for Electronic Warfare, CSIS, 7 April 2000.
- [7] www.gsi.ir/Training/Lang_fa/Page_25/DataId_3245/Action_BodyView/article.html; جغرافیای مکران.
- [8] www.islamtimes.org/prtba5b8frhb9sp.uiur.html; پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و تاثیر آن‌ها بر امنیت ملی عربی.
- [9] www.wikipedia.com; توانمندی‌های تولیدی-صادراتی استان سیستان و بلوچستان.